

دکتر ابراهیم رنجبر *

چکیده

سووشون رمانی است تاریخی، هنری، حماسی، رمزی و رآیستی با رگه‌هایی از رمانتسیم. بُعد رمزی آن عمق تاریخی - فرهنگی و جنبه فلسفی خاصی به آن داده است. لایه روایی آن داستانی جذاب با مظاهر فرهنگ و تمدن ایرانی و با اوصاف شاعرانه است؛ اما لایه زیرین و رمزی آن کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و شکست جبهه ملی، و خدمت و خیانت تعدادی از رجال مؤثر در این واقعه و واکنش برخی از روشنفکران را پس از این واقعه، بازگفته است. نویسنده برای گسترده لایه زیرین، به برخی از شخصیت‌های داستانی، حیوانات و اشیا کارکرد رمزی داده است. در عین حال برای بازشناسی رمزها قرائنی را به شیوه‌های متنوع پرورده است. در این نوشته در صدد هستیم که کم و کیف، شیوه‌ها، انواع و نمونه‌های رمز پردازی دانشور را در این رمان بررسی کرده، برای گشودن چند رمز بکوشیم. به همین منظور برخی راهنمایی‌های نویسنده و قرائن موجود در رمان و مشابهت حوادث رمان با وقایع تاریخی را مبنای بازشناسی رمز قرار داده‌ایم.

واژه های کلیدی

دانشور، سووشون، رمز، لایه روایی، لایه رمزی.

مقدمه

رمز (Symbol) با کلمات نماد، مظهر، نشانه، تمثیل، اشارت پنهان، «چیز نهفته میان دو کس که دیگری بر آن آگاه نباشد» (پورنامداریان، ۱۳۶۸: ۱ و ۵؛ قبادی، ۱۳۸۶: ۳۹؛ ناظرزاده، ۱۳۶۸: ۲۴/۱؛ ستاری، ۱۳۷۶: ۵)، کمابیش مترادف به کار رفته است. پراکندگی مظاهر آن را در تمام زمان‌ها و در میان تمام اقوام باید جست. پراکندگی زمانی و مکانی و تنوع مظاهر طبیعی و وضعی باعث شده است که رمز از نظر کم و کیف و تعداد حلقه‌های ارتباط با مدلول خود، مهارناپذیر و تابع سلايق اقوام و افراد نوع بشر باشد و از دایره تعریف جامع و مانعی بیرون ماند. به تعبیر اهل منطق نمی‌توان رمز را به

اوصاف درونی و به حد تعریف کرد؛ بلکه باید با لحاظ کردن حداکثر اوصاف و مشترکات مظاهر آن، آن را به اصطلاح اهل منطق به رسم و یا به اوصاف و خصال بیرونی تعبیر یا وصف (نه تعریف) کرد.

در وصف رمز گفته‌اند که عبارت است از، «هر علامت، اشاره، کلمه، ترکیب و عبارتی که بر معنی و مفهومی ورای آنچه ظاهر آن می‌نماید، دلالت دارد... [یعنی] چیزی است از جهان شناخته و قابل دریافت و تجربه از طریق حس که به چیزی از جهان ناشناخته و غیر محسوس یا به مفهومی جز مفهوم مستقیم و متعارف خود اشاره کند، به شرط آن که این اشاره مبتنی بر قرارداد نباشد و آن مفهوم نیز یگانه مفهوم قطعی و مسلم آن تلقی نگردد» (پورنامداریان، ۱۳۶۸: ۴ و ۱۴). علاوه بر این، «بیان کردن مقصود با گفتاری یا نوشته‌ای که جز بر آن کس یا کسانی که معهود است، مخفی ماند» (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل رمز) نیز از اوصاف رمز محسوب است (نیز رک. قبادی - نوری، ۱۳۸۶: ۶۴؛ روضاتیان، ۱۳۸۸: ۹۹؛ ستاری، ۱۳۷۶: ۷). در این سخنان که در وصف رمز گفته‌اند، جای چند توضیح خالی است. در این جا از ذکر همه چشم می‌پوشیم و با توجه به مقصودی که از این نوشته داریم، به یکی اشاره می‌کنیم و آن هم این است که روشن نیست که آیا در آثار هنری کلامی^۱ اگر از معانی باطنی و مرموز صرف نظر کنیم، معنی ظاهری کلام رمزی حظ لازم را به مخاطب می‌دهد یا ظاهر گذرگاهی است که حظ جوینده در ورای آن است. اگر شوقِ اخیر صحیح است، باید خالق اثر هنری نشانی‌های لازم را به جوینده/اهل بدهد و گرنه اثر هنری به نقصِ نقصِ غرض منسوب می‌شود. عیب این روش نیز این است که به مرور زمان دال و مدلول رمزی اوصاف دال و مدلول وضعی را پیدا می‌کنند. اگر خالق اثر هنری از این نقص یا از ابتدال روزمرگی شدن سخن خود پرهیز دارد، باید هر دو لایه ظاهری و باطنی را کامل بپردازد. دانشور در رمان سووشون لایه ظاهری را کامل پرداخته و بخش اعظم بازسازی لایه رمزی و باطنی را به حافظه تاریخی و فرهنگی و هنری - ادبی خواننده واگذار کرده است اما آل/حمد در «سرگذشت کندوها» لایه رمزی را کامل تر از لایه روایی پرداخته است.

به لحاظ ابلاغ پیام، لایه باطنی بر ظاهری تقدم دارد و بدین جهت بیان رمزی به وجود آمده است. با توجه به تجارب آثار رمزی انگیزه‌هایی برای رمزپردازی می‌توان ذکر کرد از جمله: ۱- گاهی دریافت‌های هنرمند متعلق به عالم ماورای حس و منطق و با الفاظ خاص زبان متعارف بیان ناپذیر است؛ ۲- گاهی قصد هنرمند اسطوره‌پردازی است؛ ۳- گاهی هنرمند می‌خواهد به عالم بی‌انتهای حقیقت به تفرج برود. به طریق رمز، با ایجاد فرصتی برای شکوفایی حس کنجکاو خواننده، جذابیتی به اثر خود می‌بخشد؛ ۴- گاهی انگیزش‌های هنری موجبات رمزپردازی را فراهم می‌کنند؛ از جمله تفسیر پذیری و ماندگاری ناشی از آن از انگیزه‌های رمزگرایی به حساب می‌آیند؛ ۵- گاهی تنگناهای اجتماعی هنرمند را به سوی آفرینش‌های رمزی سوق می‌دهند، مانند برخی از نظریات شهودی سهروردی و عین‌القضاء و تعدادی از اشعار و داستان‌های نیماء، اخوان، دانشور و...^۲ درباره رمان سووشون دو بند سوم و چهارم، با کمابیش تاثیر دخیل‌اند. البته قصد این نوشته بررسی کم و کیف تأثیر این دو بند نیست؛ بلکه با مصداق‌های رمز و شیوه‌های دلالت رمز بر مدلول خود، سر و کار دارد.

رمزها خاستگاه‌های متفاوت دارند و با شیوه‌ها و قراین متفاوت با مدلول خود رابطه می‌یابند.^۳ برخی از رمزها از هنر و ذوق و تجارب هنرمند- البته با در نظر گرفتن ماهیت رمز- برمی‌خیزند و جزو رمزهای خاص و فردی‌اند. رمزهای مندرج در رمان سووشون از این نوع‌اند و نویسنده در خلق آن‌ها شرایط خاصی را لحاظ کرده است که ذیلاً بحث آن‌ها می‌آید اما پیش از آن به یک نکته باید توجه کنیم:

در زنجیر رمز معمولاً چهار حلقه وجود دارد: ۱- رمز مانند طوطی در مثنوی مولوی؛ ۲- مرموز یا معنی مخزون در بطن رمز، مانند روح در همان داستان. (برای سهولت کار در این نوشته، نشانه دال را «رمز» و مدلول آن را «بطن» به معنی باطن می‌نامیم)؛ ۳- قرائن و دلایلی که ذهن خواننده را از رمز به بطن هدایت می‌کند، مانند این سنت فرهنگی که هند رمزی است، از عالم معنی (شاید به علت هبوط آدم از بهشت در سرنوشت هند در سنت‌های اساطیری) و آمدن طوطی از آن جا و غریب بودن در کشورهای دیگر که مبنای این بیشتر تشبیه تمثیل است؛ ۴- ملایمت یا قرابتی که هنرمند میان رمز و بطن می‌یابد یا می‌آفریند. کار دانشور در ایجاد قرائن، تنوع تحسین برانگیز دارد. تلخیص آن‌ها را در جدول پایان این مقاله می‌توان دید.

۱-۱- پیشینه تحقیق

قبادی در مقاله «تحلیل درون‌مایه‌های سووشون از نظر مکتب‌های ادبی و گفتمان‌های اجتماعی» قصد دارد به این دو طیف پرسش‌ها پاسخ دهد که: ۱- «آیا در پیدایش رویکردی ویژه، درون‌مایه‌ها، تصویرهای عمده و عناصر ساختاری معینی از ادبیات کلاسیک فارسی، نقشی تعیین‌کننده در تکوین [آثار مهم داستانی ایرانی] داشته‌اند، به نحوی که بتوان گفت این عوامل موجب شکل‌گیری سبکی متمایز و خلق عناصر سازنده مکتب ادبی مستقلی شده‌اند؟» ۲- آیا از میان داستان نویسان معاصر فارسی می‌توان کسی را سراغ گرفت که آثار وی ضمن تعامل با مکتب‌های ادبی جهانی، مقلد صرف هیچ یک از مکتب‌های مذکور نباشد و بتوان آن آثار را با توجه به ابتکار و خلاقیتها و رویکرد نویسنده، دارای سبکی خاص و متمایز از سایر آثار الگوبرداری شده از مکتب‌های رایج جهانی دانست؟» عصاره کلام قبادی در پاسخ به این پرسش‌ها این است که در آثار طیفی از نویسندگان ایرانی که دانشور هم جزو آنهاست، بن‌مایه‌ها و عناصر خاص فرهنگ و تمدن ایرانی سازه‌های اصلی آثار داستانی محسوب‌اند و این طیف از نویسندگان از مکاتب ادبی جهان برای تقویت ساختار آثار خود استفاده کرده‌اند؛ اما هرگز آثار خود را با چارچوب مکاتب ادبی اروپایی منطبق نکرده‌اند؛ بنابراین سووشون رمانی است با خاصه‌های ایرانی و روساخت مدرن و مستفید از مکاتب داستان نویسی غربی (قبادی، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۳). وی همچنین در مقاله «نمادپردازی در رمانهای دانشور» «نمادگرایی» دانشور را در شخصیت‌پردازی، صحنه‌آرایی، گفت‌وگوها، لایه‌ها و واژگان و تعابیر، زمان و مکان بررسی کرده است. در مقوله شخصیت‌پردازی، فقط به شخصیت یوسف توجه کرده و شباهت‌های تاریخی را به جای نمادهای داستانی گذاشته است؛ در مبحث صحنه‌آرایی اشاره به باورهای ایرانی را به جای نماد قرار داده است که خود نیازمند توضیح است؛ در نمادپردازی گفت‌وگوها، گفت‌وگویی از یوسف و زری را نقل کرده است که از نماد پردازی دورند؛ در مبحث نمادپردازی در زمان و مکان، به اشاره به برخی از مکان‌های نمادین قناعت کرده است. در این مباحث گاهی نماد با شباهت یا فلسفه تکرار خلط شده است. همچنین چون نویسنده خود را مقید کرده است که هر سه رمان دانشور را بررسی کند، به اشارات مختصر به هر رمان بسنده کرده و نخواست است هر یک را کامل شرح و بسط دهد (رک. ۱۳۸۶: ۷۰-۷۶).

۲- بحث و بررسی

سووشون یک رمان رمزی است و در دو لایه جریان دارد: لایه روایی و لایه رمزی. خلاصه آن در لایه روایی چنین است که در جنگ جهانی دوم ارتش انگلیس با سربازان هندی جنوب ایران را اشغال کرده و تمام امور شهرهای تحت تصرف خود را به دست گرفته است. به آذوقه نیاز دارد تا هم سربازان خود را سیر کند و هم به کشورهای مستعمره انگلستان

بفرستد. بزرگان و صاحب‌منصبان فارس در مقابل این مهاجمان کرنش می‌کنند تا به جاهی رسند یا مناصب خود را حفظ کنند. خانان قبایل نیز به حکم قانونی نانوشته، خود را مکلف می‌دانند که مازاد آذوقه‌های خود را به قشون اجنبی بفروشند. در این میان یکی از خانان به نام یوسف دو سال از این خواسته طفره می‌رود. در جشن عقدکنان دختر حاکم، سیرجنت زینگر، صاحب منصب نظامی انگلستان، سعی می‌کند که یوسف را به هر وسیله‌ای مجاب کند تا مازاد آذوقه خود را به آنان بفروشد؛ اما حتی وساطت برادرش ابوالقاسم‌خان نیز فایده‌ای نمی‌دهد. او سال سوم در حالی که در انبارهایش را به روی مردم قحطی زده محل گشوده است تا آذوقه‌های لازم را توزیع کند، به تیر ناشناخته‌ای کشته می‌شود. مردم می‌خواهند که تشییع جنازه او طی مراسم باشکوهی برگزار شود؛ اما از نظامیان داخلی و خارجی شکست می‌خورند و او را ناچار در باغ خود دفن می‌کنند.

دانشور بتصریح گفته است که قتل یوسف رمزی از سقوط مصدق و هدف رمان بازگویی کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ است (گلشیری، ۱۳۷۶: ۱۷۱). روز مرگ یوسف ابوالقاسم‌خان می‌پرسد: «پسان فردا چه روزی می‌شود؟ و صدای خسرو: سی و یک مرداد» (ص ۲۶۲). بنابراین در لایه رمزی خلاصه رمان این است که مقارن جنگ جهانی دوم اختیارات امور ایران در دست اجنبی است و تنها مانع راه بیگانگان، مصدق، از میان برداشته می‌شود و مردم نمی‌توانند کاری از پیش ببرند و کشور به دست سرسپردگان بیگانگان می‌افتد. در نتیجه امکانات مملکت که باید به مصرف عمومی برسد، برای برآوردن نیازهای بیگانگان به کار گرفته می‌شود.

نویسنده برای بیان این لایه از رمزهایی استفاده کرده است که اگر بخواهیم تمام آن‌ها را بررسی کنیم، حجم این نوشته از حدود یک مقاله فراتر می‌رود. ناگزیر در هر طیف از رمزها به نمونه‌های برجسته قناعت می‌کنیم:

۲-۱- رمز شخصیت‌ها

ریاحی، دخترخوانده دانشور در نامه‌ای نمادین به او نوشته است که: «داستانهای [تو] را خوانده‌ام. بیشتر قهرمان‌های آنها را می‌شناسم و بارها... از این که کله یکی را روی تنه دیگری... چسبانده‌ای یا خلق و خوی زندایی را به رفتار خاله قرض داده‌ای کلی خندیده‌ام» (ریاحی، ۱۳۸۳: ۴۷). این سخن گواه حداقل دو نکته است: یکی این که دانشور شخصیت‌های داستانهایش را از محیط خود انتخاب می‌کند و دیگر این که از چند شخصیت واقعی یک شخصیت داستانی می‌سازد؛ اما گاهی شخصیت‌ها مابازای انسانی ندارند؛ بلکه رمز واقعیت غیرانسانی‌اند. پس باید حداقل از این سه دیدگاه در ورود رمز به حوزه شخصیت‌ها مذاقه کرد.

یوسف‌خان: قهرمان بزرگ رمان است. دو حادثه بزرگ رمان متعلق به اوست: نخستین حادثه مرگ اوست و دومی خلق شدن نهضتی مردمی از تشییع جنازه او. بنا به تصریح دانشور، این رمان بازگویی شکست جبهه ملی و سقوط مصدق در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است (گلشیری، ۱۳۷۶: ۱۷۱). پس او رمزی از مصدق است. چون نویسنده در مورد گشودن این رمز تصریح کرده است، از بحث و استدلال در این مورد پرهیز کرده، به ذکر این شباهت بسنده می‌کنیم: نمایندگان کشورهای بیگانه، خصوصاً انگلستان، در خریدن آذوقه از خانان محل، تنها او را سد راه خود می‌بینند. چون او نه تنها خانان را از فروش غله به بیگانگان منع می‌کند، خود آن را بین رعیت تقسیم می‌کند. در نتیجه به همین علت کشته می‌شود. این کارکرد این قهرمان مشابه موقعیت مصدق است. معروف است که مصدق با ملی کردن نفت دست بیگانگان را از امتیازات آن کوتاه کرد. بدین جهت آمریکا و انگلیس با کودتایی او را از صدارت دولت برداشتند و زاهدی را گذاشتند. به نوشته روزنامه اطلاعات (۳۲/۳/۳) «وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد بزودی تحولاتی مهم در خاورمیانه رخ خواهد داد و ما...

خواهیم توانست... نسبت به مسائلی مانند... نفت ایران قضاوت درست و عاقلانه‌تری به عمل آوریم» (طیرانی، ۱۳۷۹: ۸۹). یکی از این تحولات سقوط مصدق بود چنان که روزولت در خاطرات خود نوشت: «ما موافقت کردیم زاهدی جانشین مصدق شود» (همان، ۹۲).

دانشور برای رساندن عمق این واقعه به اعماق تاریخ و اساطیر و یادآوری تکرار تاریخ، مصدق را در این برهه از تاریخ به جلال‌الدین منکبرنی (ص ۳۶)، یونس نبی در شکم ماهی (ص ۲۴۰)، یحیی پیغامبر (که سرش را بریدند و به زنش آوردند)، سیاوش و امام حسین (ص ۲۴۱) تشبیه کرده و او را کمر بسته علی خوانده است (ص ۲۵۰).

علاوه بر این، برخی از اوصاف و گفتارها و رفتارهای یوسف خان؛ از جمله صراحت، صداقت، شهامت، تیزی و دخالت در اوضاع زمان و مکان، خواننده را به یاد آثار آل‌احمد و خصوصاً کتاب غریب‌دگی او می‌اندازد. البته پیش از این نوشته تقریباً تمام کسانی که در مورد سووشون سخن گفته‌اند، به شباهت یوسف خان با آل‌احمد اشاره کرده‌اند و همین امر نگارنده این سطور را از ورود به بحث و استدلال لازم برای اثبات این شباهت بی‌نیاز می‌کند. دانشور هم گفته است: «در سووشون تقریباً پیش‌بینی مرگ جلال را کردم» (گلشیری، ۱۳۷۶: ۱۶۳). در اصل رمز یوسف مانند عکس برگردانی است که از هر زاویه بنگریم، یکی از قهرمانان تاریخ و اسطوره فرهنگ ایرانی و حتی بشری را می‌بینیم که فدای سعادت قومی یا ملتی می‌شود؛ اما مصدق و آل‌احمد، خصوصاً مورد نظر نویسنده‌اند.

تجمع اوصاف مصدق و آل‌احمد در شخصیت داستانی یوسف خان، باید برخاسته از اشتراک مرام آن دو باشد، در «مخالفت با نظام سلطنتی و حضور خارجیان در ایران، دفاع از آزادی انتخابات و مطبوعات و کوشش برای استقلال ملّی» (نوذری، ۱۳۸۷: ۵۹-۶۷). این را هم باید افزود که حزب نیروی سوم از جبهه ملّی حمایت می‌کرد و شخص آل‌احمد با مصدق و جبهه ملّی کاملاً موافق بود. بنابراین شکست مصدق مساوی شکست آل‌احمد است.

زری: این شخصیت از نظر حادثه آفرینی، دومین؛ ولی از نظر تحول و قرار گرفتن در کانون اخبار و حوادث رمان، نخستین شخصیت است. بظاهر زنی است جوان و دارای تمام اوصاف زیبایی و دل‌ربایی و فی‌نفسه شریف و نجیب. یک جفت گوشواره زمردین دارد که بر جمال او می‌افزاید و به او آرامش خاص می‌دهد (ص ۳۲، ۵۹، ۹۰، ۱۵۹ و ۱۶۱). زبان انگلیسی را خیلی خوب می‌داند. شجاعت، شهامت، بی‌باکی، استقامت در برابر زورگویی، حمایت از مظلومان و قهرمان پروری او تحسین برانگیز است (ص ۳۹، ۱۳۵ و ۱۵۶). به اعتقاد او از تربیت شده مدارس انگلیس مبارزه بر نمی‌آید (ص ۴۵ و ۱۹۵)، در کشوری که حاکم برادرخوانده دول مهاجم است و صاحب منصبان خون‌برادر خود را به زور می‌فروشند، باید حداقل هزار نفر قهرمان با شهامت داشت (ص ۶۲، ۶۴، ۱۰۰، ۱۱۵، ۱۳۳، ۱۹۸، ۲۸۶، ۲۹۴-۲۹۶ و ۳۰۰). این زن گاهی نسخه‌ثانی دانشور است. شکیبایی، عشق وافر به نوع بشر، طبع شاعرانه، برخی از مراحل زندگی، تحول در کنار شوهر، امیدپروری و اوصافی از این قبیل او را شبیه دانشور نشان می‌دهند. حتی انتخاب نام زری بر این شخصیت یادآور هم‌خانوادگی سیم و زر است که ماده نام‌های سیمین و زری هستند.^۴

زری از دیدگاهی رمزی است که بطن آن کل کشور ایران است. در این مورد به چند قرینه استناد می‌کنیم: ۱- او یک جفت گوشواره زمرد از مادر شوهرش هدیه گرفته است (ص ۸ و ۱۲) (زمرد در این جا خود رمزی از خاصه‌های ایرانی است و در جای خود از این بحث خواهیم کرد). یعنی او خاصه‌های فرهنگ ایرانی را با خود دارد؛ ۲- پس از مرگ یوسف زری در خواب می‌دید که «لخت لخت در وسط یک میدان ناشناس ایستاده و هزارها مرد و زن دور تا دور میدان ایستاده‌اند

و به او نگاه می‌کنند» مفهوم این نکته به رمز، این است که پس از سقوط جبهه ملّی و انزوای مصدق، ایران و حیثیت ایرانی در معرض خطر مانده است؛ ۳- در دو بار زایمان با عمل جراحی که پزشک بیگانه انجام داده است، شکمش نقشه جغرافیای ایران شده است تا قهرمان آینده از آن متولد شود (ص ۱۹)؛ ۴- جشن عقدکنان دختر حاکم برای همه افسران خارجی شادی است ولی برای زری مثل دسته تعزیه (ص ۹). یعنی آنچه به نفع بیگانه است، به ضرر ایران است؛ ۵- پس از مرگ یوسف، یک پزشک بیگانه، به زری آمپولی تزریق می‌کند تا آرام شود (ص ۲۴۹ و ۲۵۲). این بدین معنی است که بیگانگان می‌خواهند ایران را در آرامش نگه دارند. اما او پس از این حادثه بظاهر پریشان می‌شود و بحقیقت بیدار و حافظه تاریخیش زنده می‌شود و خیالات و خواسته‌های مرکوز در ناخودآگاهش به سطح خودآگاه هجوم می‌آورند و او گذشته و آینده و واقعیت و حقیقت و افسانه و تاریخ را در هم می‌آمیزد تا شاید بتواند به تصمیم عاقلانه و دلاورانه برسد. در این حال خانم حکیم می‌خواهد با آمپول مخصوص او را رام و آرام کند؛ اما دکتر عبدالله‌خان که از مردان اصیل ایرانی و از مریدان حافظ شیرازی است، به او نمک مخصوص می‌دهد (ص ۲۸۸) و کل بیم و ترس از وجود او دور می‌شود و شجاعت لازم برای تهییج مردم برای او حاصل می‌شود تا بتواند انتقام یوسف را بگیرد. این بدین معنی است که ایران با مظاهر تمدن غرب به آرامش نمی‌رسد؛ بلکه مظاهر فرهنگ و تمدن اصیل ایرانی، ایران را به آرامش و آسایش مطلوب و ناظر به استقلال و آزادی، می‌رساند. هر چه غیر ایرانی یا ایرانی غیر اصیل است، او را می‌آزارد. مثلاً «این آخریها هر وقت ابوالقاسم‌خان را می‌دید، انگار میرغضب خودش را دیده» (ص ۵۹). همان قدر که از ابوالقاسم‌خان هراس دارد، از دیدن اسب پسرش، سحر (که خاصه فرهنگ ایرانی است) آرامش می‌گیرد و در غیاب او می‌گیرد (ص ۶۵ و ۶۶). (برای رعایت اختصار از ذکر قراین دیگر پرهیز می‌کنیم.) مبنای این استنباطها فضای رمزی حاکم بر رمان و مقایسه جزئیات موجود در آن است.

پس از اتمام این بحث باید افزود که زری در عین حال، نماینده یک زن اصیل ایرانی آن هم از نوع شیرازی است چنان که دانشور می‌پسندد.

عزت‌الدوله: یکی از شخصیت‌های داستانی پر رمز و راز این رمان است. پیر زنی است لوچ که بیماری عرق‌النسا جنب‌وجوش را برایش نامقدور کرده است (ص ۸، ۹۳، ۱۵۷ و ۱۵۸). کینه‌توز و منافق است. جز زر و جاه و زرق‌ارزشی در زندگی نیست. دوست و دشمن را با همین معیارها می‌سنجد (ص ۸). آب به آسیاب دشمن می‌ریزد تا شاید کاسه‌ای پر از آرد کند. یکی از راه‌های نامشروع که برای کسب ثروت برگزیده است، قاچاق سلاح و مواد مخدر و قماش و انواع دیگر کالاها است. دختر کلاتر است که جنگش با مسعودخان دندان طلا آتش بر سر مردم شیراز ریخت؛ اما بیهوده ادعای سیادت می‌کند (ص ۱۶۶). شوهرش نیز که خانه داماد بود، فتنه‌های بسیار می‌انگیخت (ص ۷۷). این پیر فرتوت از آن دو فتنه‌گر، میراث‌های اخلاقی دارد. هر حاکمی که به شهر می‌آید، فوری مشیر و مشار خانواده‌اش می‌شود (ص ۸). شوهرش شبیه خیش‌خانه مسعود غزنوی داشته و زنان به خانه می‌آورده و عزت‌الدوله را وادار می‌کرده است که از آن‌ها پذیرایی کند (ص ۹۳). همین شوهر پای منقل تریاک می‌نشیند و اسناد املاک او را می‌دزدد و به املاک او چنگ می‌اندازد و خرج زنان دیگر می‌کند.

این شخصیت رمزی است از زاهدی. رئیس دولت پس از کودتای ۲۸ مرداد، به استناد چند قرینه موجود در رمان: ۱- نویسنده او را با واژه «دولت» در ترکیب «عزت‌الدوله» برجسته کرده است؛ یعنی می‌توان «عزت‌الدوله» را مترادف «رئیس دولت» گرفت؛ ۲- شوهرش علی‌رغم وجود او، با زنان دیگر حشر و نشر می‌کند که رمزی است از این که شخص اول

مملکت، با وجود انتخاب او به ریاست دولت، در امور مهم مملکت با قدرت‌های بیگانه مشورت می‌کند؛ به حکم مستندات تاریخی، هراس غرب از کمونیسم موجب آمدن زاهدی و سقوط مصدق و شکست حزب توده و پیوستن ایران به پیمان سنتو و همچنین «افتادن رژیم در اردوگاه غرب بود. سفر طولانی شاه به غرب از آذر تا بهمن ۱۳۳۳... فرصت مناسبی برای شاه بود که بیشتر درباره غرب بیاموزد» (نبوی، ۱۳۸۸: ۲۴) کما این که در امریکا گفت «دقیقه‌ای از آموختن طرق زندگی اجتماعی شما غافل نخواهم بود و آن را به ایران می‌برم تا در همه شوون زندگی کشور خود وارد کنم» (کیهان، شماره ۳۴۵۰، ۱۷ آذر ۱۳۳۳، نیز نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۳: ۱۱۳)؛ ۳- بسیار تلاش می‌کند که زری (نماد ایران) را عروس خود کند؛ اما هرگز موفق نمی‌شود و این آرزو در دلش می‌ماند تا این که این اراده پس از مرگ یوسف دوباره زنده می‌شود. یعنی زاهدی ناکامی در تسلط بر ایران را پس از سقوط مصدق جبران می‌کند؛ ۴- در مقابل قدرت بیگانگان کرنش می‌کند. کما این که از نظر مخالفان زاهدی «کودتای ۲۸ مرداد ... سرآغاز اتحاد عمال ایرانی آمریکا و انگلیس گردید که بر دولت و مجلس تسلط داشتند» (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۷: ۱۴۰)؛ ۵- گوشواره‌های زمردین زری و اسب محبوب پسرش خسرو را (که هر دو از نمادهای خاصه‌های ایرانی محسوب اند) به حاکم بیگانه‌پرست لو می‌دهد تا بر محبوبیت خود بیفزاید چنان که گویی زاهدی ثروت ایران را به ریاست دولت می‌فروشد؛ در این مورد اشاره به این خبر کافی است که هفته‌نامه راه مصدق در شماره سه شنبه ۸ تیر ۱۳۳۳ نوشت: «ملت ایران دولت زاهدی را یک دولت غاصب دست‌نشانده بیگانه می‌داند» و «دولت انگلستان ثروت ما را به غارت می‌برد» (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۳: ۵۹ و ۷۶، نیز رک صص ۱۶، ۲۱، ۳۶، ۳۹-۴۰، ۱۰۰ و ۱۱۳-۱۱۶)؛ همچنین «با شکست نهضت ملی و پیروزی کودتای [۲۸ مرداد] اقدامات مهم و فوری برای ترمیم ضرباتی که در دوران ملی کردن صنعت نفت به مواضع امپریالیسم وارد شده بود، به عمل آمد... مذاکرات برای تاسیس کنسرسیوم نفت با اتحاد چهار دولت... آمریکا، انگلیس، فرانسه و هلند برای غارت نفت ایران انجام گرفت» (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۷: ۱۴۱)؛ ۶- عرق‌النسا گرفتن عزت‌الدوله رمزی است از این که زاهدی چون زنان در پیش قدرت بیگانگان عاجز است؛ چنان که «راه مصدق» در شماره ۹ (۲ خرداد ۱۳۳۴) نوشت: «قسمت اعظم فساد موجود ناشی از ماهیت دستگاهی است که انگلستان برای حفظ منافع خویش بر روی کار آورده و از آن حمایت می‌کند (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۳: ۸۸)؛ ۷- قاچاق کردن عزت‌الدوله رمزی است از این که زاهدی راه را برای کالاهای بیگانه باز کرده است. مثلاً به نوشته روزنامه اطلاعات تاریخ ۳۲/۷/۱۵ ورود کالا از مؤسسات وابسته به دولت آمریکا به ایران آزاد شد (طیرانی، ۱۳۷۹: ۹۷)؛ ۸- در جشن دختر حاکم کلاف سبز به گردن عروس می‌اندازد تا سبزیخت شود و گوشواره زری را لو می‌دهد تا از او بگیرند و در گوش عروس کنند (ص ۸) و سکه در کف افسران خارجی می‌نهد (ص ۹) و زیر بغل عروس را می‌گیرد تا به خانه بخت بفرستد؛ یعنی زاهدی ایران و خاصه‌های آن را چون عروسی آراسته در اختیار بیگانه می‌نهد و ثروت ایرانی را به بیگانگان می‌بخشد. نمونه‌ای از آن را می‌توان در شماره ۱۰ هفته‌نامه راه مصدق خواند: «شرکتهای انگلیسی موفق شده‌اند طرح قراردادی برای استخراج مواد معدنی خام ایران از قبیل سرب، آهن... و چند ماده دیگر منعقد کنند (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۳: ۱۲۲)؛ ۹- صریح‌تر از همه این که پس از قتل یوسف، بر روی تخت او می‌نشیند و چنان امر و نهی می‌کند که مهمانان بیگانه گمان می‌برند که صاحب عزا اوست و به او تسلیم می‌گویند، حال آن که او با مرگ یوسف به آرزوی خود رسیده است (ص ۲۸۲ - ۲۸۵)؛ یعنی با سقوط مصدق زاهدی زمام امور را در دست می‌گیرد و با کشورهای دیگر ارتباط برقرار می‌کند حال آن که ریاست او نامشروع است.

ابوالقاسم خان: برادر یوسف؛ اما کاملاً در قطب مخالف او است. ماشین خارجی سوار می‌شود و مشروب خارجی می‌خورد و از هیچ یک از چیزهایی که در خانه زری (رمز ایران) وجود دارد، خوشش نمی‌آید. «بُخو بریده‌ای است که دور، دور او است» (ص ۷۸). از شعر و دانش و سنت ایرانی عاطل است. به هیچ یک از آداب دینی و فرهنگی ایرانی پای‌بندی ندارد. به هر طریقی می‌خواهد به مدارج عالی سیاسی ترقی کند (ص ۱۲۶). عاشق وکالت مجلس شورا است. رعیت و مردم را ناچیز می‌بیند و پشت‌گرمی خود را در خدمت بیگانگان و ارباب قدرت می‌جوید (ص ۲۲، ۲۴-۲۶، ۶۱-۶۴ و ۱۲۵). خاصیتی ندارد که موجبات دشمنی کسی را برانگیزد. به هر رفتاری نفع خود می‌جوید (ص ۲۴۷). از هر نوع اعتراض و صدای آزادی‌خواهی مردم هراس دارد. پسرش که می‌تواند نماینده نسل جوان باشد، اطوار و احوال او را نمی‌پسندد. در پیش خارجیان با چادر زنانه ظاهر شدن و با آنان به کشتار (شکار) آهوان پرداختن و پیش‌فروش آذوقه سال بعد به بیگانگان و دلالی به نفع بیگانه کردن و برادر قهرمان خود را به سوی حقارت خواندن، گویی رمزی است از زبونی و وطن‌فروشی و فروختن آینده و خالی خواستن میهن از قهرمانان و یا حداقل فروش مصالح نسل آتی به بیگانه.

اگرچه این شخصیت با این اوصاف قالبی است که هر مستبد زبون وطن‌فروش و جاه‌طلبی در آن می‌گنجد، انتخاب عنوان «ابوالقاسم» برای این الگو، یادآور «قوم السلطنه» است که گویی دانشور حروف اسم اخیر را در هم ریخته و اسمی دیگر از حروف آن ساخته است. چند نکته دیگر را هم می‌توان جز این، شاهد آورد برای تطابق این رمز با بطن مورد ادعا: ۱- مطیع الدین، شخصیتی است که رضایتش برای وکالت ابوالقاسم‌خان بسیار مهم است. این نکته به تلویحی دور یادآور مخالفت‌های آیت‌الله کاشانی با دولت قوم‌السلطنه است که به مردم شجاعت داد و موجبات سقوط او را پس از سه روز ریاست دولت، فراهم کرد (مکی، ۱۳۶۶: ۱۱۵)؛ ۲- قوم السلطنه کسی بود که به یاری انگلستان و شوروی به حکومت رسید و در کابینه خود چند نفر از اعضای حزب بوده راه داد. او نیز با یاری افسران انگلستان به وکالت مجلس می‌رسد.^۵ البته از آن جا که رمان قالبی هنری و آمیخته تجربه و استناد و تخیل است و در آن این امکان هست که از مجموع چهره‌هایی، چهره‌ای آرمانی شده ساخت، نگارنده این سطور از ادعای این‌همانی جزمی پرهیز دارد؛ ولی یادآوری شباهت‌ها لاقلاً این فایده را دارد که راه نقد و نظرها و بررسی‌ها و تطبیق را بازتر می‌کند.

حمیدخان: پسر عزت‌الدوله است. از پدرش عیاشی را ارث برده و عاشق زن و ویسکی و کفتربازی و پول است. از طریق قاچاق سلاح و تریاک ثروت هنگفتی به دست آورده است. سلاح به رؤسای قبایل می‌فروشد تا با حکومت مرکزی جنگ کنند و با پول آن فاستونی آمریکایی و صابون خارجی می‌خرد. نسبت به جنگ جهانی که زبانه آتش آن به ایران هم رسیده است، بی‌اعتناست و تنها به منافع خود می‌اندیشد. با وجود مساعی فراوان از ازدواج با زری (رمز ایران)، ناکام مانده و سه فرزند خود را به یاد او آورده است و پس از مرگ یوسف می‌خواهد از همه چیز بگذرد اما زری را به دست آورد حال آن که زری از او نفرت کامل دارد.

او نماینده یک تیپ است؛ تیپی که آل‌احمد از آنان به «غریزه» تعبیر کرده است؛ یعنی رمزی است که بطن آن غریزدگان اند. این که او پسر عزت‌الدوله و منافع او برخلاف منافع ایرانیان و شیفته کالاهای خارجی است، رمزی است از این که بر اثر اقدامات دولت پس از کودتای ۲۸ مرداد قدرت به دست کسانی می‌افتد که به زر و زور سر سپرده و به میهن و خاصه‌ها و مصالح آن پشت کرده‌اند و زر و زور و زندگی مورد علاقه خود را زیر پرچم قدرت‌های بیگانه می‌جویند. این که تشنه زری است؛ ولی زری از او نفرت دارد، رمزی است از این که افراد این تیپ می‌خواهند، زمام امور ایران را به دست گیرند،

اما مطابق منطق جهان‌بینی دانشور، ایران این گونه نامردمان را پس می‌زند و هرگز تسلیم اراده آنان نمی‌شود و بالاخره این‌ها با شکست و نفرت جمعی مواجه می‌شوند.

زینگر: بظاهر اهل انگلستان است. هفده سال در شیراز مأمور فروش چرخ خیاطی سینگر بوده است و در جنگ جهانی دوم لباس افسری می‌پوشد (ص ۶-۷ و ۱۴). از دیدگاه او ایران قدرتی پوشالی دارد. مانند گاوی است که کاه در پوستش کرده باشند. خون در تن ندارد. پر از نعمت است؛ اما این نعمت برای این است که کشورهای مستعد از آن استفاده کنند زیرا مردم ایران از امکانات آن بی‌خبر اند. اگر قهرمانی کاری به نفع آنان بکند، آن نفع را می‌گیرند و علیه اهداف قهرمان از آن استفاده می‌کنند، بنابراین از مردم واهمه‌ای ندارد؛ بلکه هراس از قهرمانی دارد که چشم مردم را به واقعیات موجود باز کند (ص ۳۶ و ۲۵۳).

او رمز استعمار اقتصادی و نظامی غرب است چون گاهی مُبلَغ چرخ خیاطی سینگر (نماد صنعت غرب) و گاهی (عندالاقضا) افسر ارتش (نماد قدرت نظامی غرب) است. رقص او با دختر حاکم؛ یعنی عروس و با زنان حاضر در جشن عروسی و شابهش افشانی ایرانیان که غالباً شوهران آن زنان اند، گواه این مدعا است که او رمز استعمار و نماینده قدرت نظامی و اقتصادی غرب است و در بطن نام او بر باد رفتن منافع و حیثیت ملی نهفته است.^۶ مبنای این استنباط زبان نمادین دانشور است که وی خاصه‌های فرهنگ ملی را در مقابل صنعت غرب در خطر می‌بیند. در این میان تأثیر کتاب **غریب‌زدگی** آل‌احمد بر فضای رمان را هم باید ملحوظ داشت.

دختر حاکم: در این رمان جشن عروسی او مهم‌ترین بخش است. رمزی است از ایران یا حد اقل بخش مهمی از ایران یا اختیارات ایران که با واگذاشتن آن به بیگانه، حیثیت ایرانی بر باد می‌رود. برای پذیرش این مدعا چند قرینه قابل استنباط است: ۱- نام عروس معلوم نیست؛ اما نام خواهر کوچکترش گیلان تاج است که یادآور گیلان، بخشی از ایران، است (ص ۸) پس او هم می‌تواند بخشی از ایران باشد که حاکم برای حفظ موقعیت خود آن را وامی‌گذارد. عروس شدن دختر با خواست و حضور بیگانه می‌تواند بهترین و نزدیک‌ترین رمز برای وطن‌فروشی باشد چنان که براهنی نیز در رمان «رازهای سر زمین من» وطن‌فروشی را با واگذاری زن خود به افسران آمریکایی بیان کرده است؛^۲ در جایی از کتاب جشن دختر حاکم را «جشن فرنگی‌ها» می‌خواند (ص ۲۲)؛ یعنی فرنگی‌ها برنده‌اند و ایرانیان بازنده؛^۳ در این عروسی تعدادی از رجال سیاسی می‌بینند که زنانشان در آغوش افسران خارجی می‌رقصند و خواه ناخواه تحمل می‌کنند. زنان آنان نیز رمز حیثیت ایرانیان‌اند.

۲-۲- رمز حیوانات

اسب: قهرمان اصلی داستان، پسری دارد به نام خسرو که نماینده مطلوب و آرمانی نسل جوان ایرانی از دیدگاه نویسنده است. جوانی که شجاعت، شهامت، بصیرت، استقلال رای و ظلم ستیزی لازم را دارد. وی اسبی دارد به نام سحر. جانش به آن بسته است. این اسب واقعیت عادی ندارد و از نوع اسبان داستان‌های حماسی است. برخی از کارهای مربوط به انسان‌ها را انجام می‌دهد و یاور قهرمان محسوب می‌شود؛ از جمله این که در مقابل خسرو رام و مطیع است حال آن که در مقابل دشمن و بیگانه سرکش و توسن.

سحر متعلق به سطح رمزی رمان و بطن آن بعضی از خاصه‌های ایرانی و برخی از ارزش‌های مربوط به عوالم حماسی و اساطیری ایران است. برای اثبات تطابق این رمز و بطن چند گواه قابل استنباط است: ۱- دشمنان خاصه‌های ایران و کسان

غافل از ارزش‌های اساطیری آن؛ یعنی افسران خارجی و سر سپردگان بیگانگان، از جمله عزت‌الدوله و ابوالقاسم خان جاه طلب، با سعایت و وساطت خود دندان طمع حاکم را نسبت به آن تیز می‌کنند و از طرف دیگر خانواده یوسف را وامی‌دارند که این اسب را به دختر حاکم ببخشد. اگر چه چند روزی این اسب را می‌برند، اسب در نخستین فرصت خود را به خانه یوسف می‌رساند. در جهان آرمانی نویسنده این رمان، اسب، این رمز خاصه شاعرانه و افسانه‌ای و باستانی ایرانی نباید در دست انیرانی و وطن‌فروشان اسیر شود. بدین دلیل اگر چند روزی دور گردون به کام اجنبیان و اجنبی‌پرستان می‌گردد، عاقبت خاصه فرهنگ و تمدن ایرانی به ایرانی اصیل باز می‌گردد و بدون تردید می‌توان گفت که در این رمان اسب رمز خاصه فرهنگ و تمدن کهن ایرانی است؛ ۲- انتخاب نام خسرو به پسر ده یازده ساله (ص ۸) یوسف و مقایسه خود او با سیاوش و مرگ او با سیاوشان کیخسرو پسر سیاوش را به یاد می‌آورد. نام کیخسرو با خاصه‌های ایرانی (که اسب یکی از آن‌هاست)^۷ و کشیدن انتقام سیاوش از انیرانی مقرون و شهره است. علی‌الخصوص که جان او به اسب بسته (ص ۳۰) و مترادف نام اسب، فرس، با نام قوم فارس هم‌خانواده است و از این طریق نویسنده القا می‌کند که جان او به ایران عموماً و به فارس خصوصاً بسته است که محل وقوع ماجرای این رمان است؛ ۳- دیگر این که تنها یوسف اسب دارد و دوست دارد با اسب به ده برود نه با ماشین. ابوالقاسم خان او را به همین دلیل تمسخر می‌کند (ص ۲۴-۲۵). یعنی یکی از نشانه‌های اصالت یوسف در ایرانی بودن نگه‌داری اسب و یکی از نشانه‌های بیگانه‌پرستی ابوالقاسم خان علاقه‌مندی به ماشین خارجی است؛ ۴- در جشن عقدکنان دختر حاکم صندلی‌ها را به شکل نعل اسب می‌چینند (ص ۳۸). این ظاهراً به این معنی است که اگر ایران به غارت هم رود، آثاری از خاصه‌های آن خواهد ماند و همچنین این رسم اهمیت اسب را در میان ایرانیان نشان می‌دهد.

۲-۳- رمز اشیا

زمره: زری (رمز ایران) یک جفت گوشواره زمره از مادرشوهر خود به یادگار دارد. عزت‌الدوله (رمز زاهدی) که علی‌رغم تلاش فراوان نتوانسته زری را عروس خود کند، در جشن عقدکنان دختر حاکم، برای انتقام کشی از زری، گوشواره‌های او را لو می‌دهد و آن را برای آویختن به گوش عروس (رمز بخشی از حیثیت و اعتبار ایرانی که در اختیار بیگانه قرار می‌گیرد) از زری امانت می‌گیرند؛ اما نه به قصد پس دادن، بلکه به قصد تملک. عزت‌الدوله پس از قتل یوسف آن را از خانواده حاکم پس می‌گیرد و به زری باز می‌آورد، به قصد این که رضایت وی را به نحوی جلب و حسن نیت خود را اثبات کند که شاید وی ازدواج با پسر عزت‌الدوله را بپذیرد. با این توضیحات آن را باید در زمره رموز بررسی کرد.

در این رمان گوشواره به حکم تعلق به زنان (که در فرهنگ ایرانی از مستورگان و نمونه‌اعلای حیثیت محسوب‌اند) رمزی است از حیثیت و آبروی ایرانی و زمره رمزی است از خاصه فرهنگی ایران؛ علی‌الخصوص که هر دو متعلق به زری (رمز ایران) و مادر یوسف نماینده مظلومیت زن ایرانی است. برای تطابق این رمز با بطن مورد ادعا چند قرینه در این رمان هست: ۱- از نسل گذشته (مادر یوسف) به زری (رمز ایران) رسیده است (ص ۸)؛ ۲- در عمق چشمان یوسف انعکاسی هست که گاهی شبیه ستاره است و گاهی شبیه زمره (ص ۱۸). زمانی این رمز پرمغزتر می‌شود که به یاد بیاوریم در افسانه‌ها و باورهای طبی ایرانیان قدیم زمره را برای دفع اژدها مفید و آن را موجب کوری افعی (مجازاً اژدها) می‌دانستند.^۸ البته باید این باور را با جزئیات پراکنده در این رمان بجوییم و کنار هم بگذاریم. در صفحات ۸ و ۱۲ از گوشواره زمره و در صفحه ۲۴۰ از اژدهای دو سر سخن می‌گوید که زری در خواب می‌بیند که شوهرش را با اسب (رمز

یکی از خاصه‌های فرهنگ ایرانی) بلعیده است و این اژدها شبیه سرجنت زینگر (رمز قدرت صنعتی و نظامی غرب) است؛ ۳- به جهت داشتن ریشه اساطیری- علمی از خاصه‌های فرهنگ ایران است؛ ۴- زری در عروسی دختر حاکم (زمان افتادن بخشی از ایران به دست اجنبی) این زمردها را از دست می‌دهد و پس از مرگ شوهرش (هنگام بیدار شدن مردم) آن را به دست می‌آورد تا دشمنان را دفع کند؛ ۵- از دید نویسنده زینگر در عالم حقیقت شبیه اژدهای دو سر است که قهرمان رمان را با اسب می‌بلعد و این زمرد برای دفع این اژدها لازم است. پس یکی از خاصه‌های ایرانی است که نه تنها نباید در دست اجنبی باشد؛ بلکه باید اجنبی را دفع می‌کند.

پیوند رمزها: در لایه رمزی رمان، مابازاهای رمزی کاملاً با هم هماهنگی دارند و می‌توانند این پیام را القا کنند که توسعه‌طلبی قدرت نظامی و صنعتی غرب (به نمایندگی زینگر) دولت و وطن‌دوست ایرانی را (به نمایندگی مصدق) از میان برمی‌دارد و دولتی وطن‌فروش (به نمایندگی زاهدی) سر کار می‌آید و بظاهر حکم می‌راند؛ اما آن حکمرانی در حق مردم ایران، در حکم عزاداری است. پس از آن مستبدان وطن‌فروش (به نمایندگی ابوالقاسم‌خان) و غریزدگان (به نمایندگی حمیدخان) راه را برای کسب امتیازات باز می‌یابند. اعضای برخی از احزاب (به نمایندگی فتوحی) به مردم خیانت می‌کنند. با وجود این در ایران بیداری و جنبش توده (به نمایندگی حاضران در تشییع جنازه یوسف) به وجود می‌آید و نهال امید استقلال ایران را در دل‌ها می‌کارد.

نتیجه

سووشون یک رمان رمزی است و در دو لایه جریان دارد: لایه داستانی یا روایی؛ لایه رمزی یا تمثیلی. هدف رمان بازگویی هنری و رمزی کودتای ۲۸ مرداد است. دانشور شخصیت‌های این رمان را از محیط خود انتخاب کرده و از تجمیع خصال چند شخصیت واقعی یک شخصیت داستانی ساخته است. در این رمان یوسف‌خان در عین حال که گرت‌برداری از خصال آل‌احمد است و همچنین با اشاراتی حساب شده، برخی خاطرات تاریخی و اساطیری متعلق به شخصیت‌هایی چون یحیای نبی و یوسف بن یعقوب و سیاوش و سهراب پسر رستم و امام حسین (ع) را احیا می‌کند، رمزی از مصدق است. زری از دیدگاهی رمزی از ایران و از دیدگاهی دیگر نمادی است از زنان ایرانی با آداب و فرهنگ خاص شیرازی. عزت‌الدوله رمزی است از زاهدی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و تصدی ریاست دولت پس از مصدق. می‌توان ابوالقاسم‌خان را شبی از قوام‌السلطنه تلقی کرد. حمیدخان نماینده تپپی است که از آن آل‌احمد به غریزدگان تعبیر کرده است. زینگر رمزی است از استعمار اقتصادی و نظامی غرب. می‌توان دختر حاکم را نماد ایران و اسب و زمردها را نمادی از خاصه‌های ایرانی دانست.

جدول تلخیص قرینه‌ها و ملایمت‌های میان رمزها و بطن‌ها در سووشون (درصدهای تعیین شده تقریبی و متکی بر

احتسابات نگارنده این سطور بر مبنای رمان است)

رمز	بطن	قرینه	ملایمت یا قرابت	راهنمایی نویسنده	استنباط خواننده	کار نویسنده	کار خواننده
یوسف	مصدق	وقوع حادثه برای هر دو در یک تاریخ (۲۸ مرداد)	شباهت موقعیت اجتماعی	۵۰٪	۵۰٪	دادن یک قرینه صریح	استنباط دیگر شباهت‌ها

یوسف	آل احمد	شباهت افکار و رفتارها	شباهت موقعیت اجتماعی	-----	۱۰۰٪	-----	استنباط شباهت‌ها در افکار یوسف با آثار آل احمد
زری	سیمین دانشور	قربت در افکار و در جوهر سیم و زر در دو نام	شباهت موقعیت اجتماعی	---	۱۰۰٪	---	استنباط شباهت‌ها در افکار و طبع شاعرانه هر دو
زری	ایران	سه مورد اشاره صریح گونه	تشبیه خیالی	٪۲۷	٪۷۳	٪۲۷	استنباط تاویلی عبارات صریح گونه و دیگر جزئیات
عزت الدوله	زاهدی	مترادف سازی در سمت	تشبیه خیالی	٪۱۴	٪۸۶	٪۱۴	استنباط تاویلی شباهت‌ها
ابوالقاسم خان	قوام السلطنه	اشتراک حروف اسم	شباهت در شخصیت و موقعیت	٪۲۰	٪۸۰	٪۲۰	استنباط تاویلی شباهت‌ها
حمید خان	نسل غربزده	رفتارها و نیات و پسر عزت الدوله و تشنه زری بودن	شباهت خیالی	٪۵۰	٪۵۰	٪۵۰	استنباط و تاویل رفتارها و شباهت میان او و غریزندگان
زینگر	استعمار	تصریح در رفتار	نمونگی	٪۵۰	٪۵۰	٪۵۰	تاویل قرینه‌ها
دختر حاکم	اختیارات ایران	اشارات رمزی	تشبیه خیالی	---	۱۰۰٪	---	تاویل اشارات و جزئیات دیگر
اسب	خاصه ایرانی	سنن فرهنگی و اساطیری	سابقه ذهنی اساطیری	٪۵۰	٪۵۰	٪۵۰	تاویل اوصاف غیر عادی با اتکا به ذهنیت اساطیری
زمرّد	خاصه ایرانی	سنن فرهنگی و اساطیری	سابقه ذهنی اساطیری	٪۵۰	٪۵۰	٪۵۰	تجمع و تاویل جزئیات با اتکا به ذهنیت فرهنگی

پی‌نوشت‌ها

- ۱- غرض از کلام علم مصطلح و معروف نیست؛ بلکه اثر هنری است که با کلمات خلق می‌شود.
- ۲- در مورد انگیزه‌های رمز پردازی رک. نصر- حاتمی، ۱۳۸۸: ۱۶۹-۱۷۲؛ افخمی- دانشگر، ۱۳۸۰: ۸۱ و قبادی- نوری، ۱۳۸۶: ۶۳ و ۶۵.
- ۳- برای آشنایی با خاستگاه‌ها و روابط متفاوت دال و مدلول‌های رمزی، رک. قبادی، ۱۳۸۶: ۵۴.
- ۴- دانشور دوران ابتدایی و متوسطه را در مدرسه انگلیسی مهرآیین به تحصیل پرداخت (گلشیری، ۱۳۷۶: ۱۵۵) زری هم در مدرسه انگلیسی‌ها متوسطه را خوانده است؛ دانشور می‌گوید: «من آدمی هستم برونگرا، شهودی با مقداری احساس عجیب شاعرانه» (همان، ۱۶۲)، این اوصاف را در وجود زری می‌بینم؛ خانه زری بازسازی خانه پدری دانشور است (در این مورد رک. حریری، ۱۳۶۶: ۸)؛ دانشور گفته است: «جلال باعث شد که من در سن جالبی پخته شوم» (همان، ۲۷)، در این رمان نیز زری در کنار یوسف پخته می‌شود و تحول می‌یابد؛ دانشور در جایی از بردباری خود و شتاب‌کاری آل احمد

سخن گفته (دانشور، ۱۳۶۴: ۸۸)، همان گونه که در این جا زری در مقابل تندخویی اجتماعی یوسف بردباری نشان می‌دهد؛ هر دو مکشوفه‌اند. یکی از دلایل پدر آل‌احمد برای قطع ارتباط با پسرش، مکشوفه بودن دانشو بود (دانشور، ۱۳۶۴: ۸۷)، زری نیز مکشوفه است: «پدرم میرزاعلی اکبرخان کافر بود. وصیت کرده که هیچ وقت چادر سر نکنم» (ص ۲۶۴)؛ وقتی که دانشور قهرمانان داستان‌هایش را از محیط خود انتخاب می‌کند و همسر و پدر و مهتر اسبان خانه پدرش و... را وارد عالم داستان می‌کند، طبیعی است که خود را نیز در رمان خود مطرح می‌کند.

برای رعایت جانب اختصار از ذکر استدلال‌ها و مستندات دیگر پرهیز می‌کنیم. در این مورد می‌توان به این آثار نیز رجوع کرد: دانشور، ۱۳۸۰: ۷۳، ۱۶۱، ۲۰۴-۲۱۹، ۲۶۶ و ۳۱۲؛ و ۱۳۶۴ غ؛ ۳۰۱، ۳۰۸ و ۳۱۲؛ ۱۳۶۳: ۲۶۶؛ آل‌احمد، ۱۳۴۴: ۱۷-۴۹. نیز زندگانی مشترک آل‌احمد و دانشور با زندگانی مشترک یوسف‌خان با زری از جهاتی قابل مقایسه است.

۵- قوام السلطنه علاوه بر رقابت با مصدق، این برگ‌های سیاه را نیز در پرونده سیاسی خود دارد: گزینه انگلستان برای تصدی جای مصدق بود؛ منشی عین‌الدوله مستبد بود؛ قاتل مجاهدان صدر مشروطیت کلنل محمدتقی خان پسیان و مردم تهران در آذر ۱۳۲۱ بود؛ از محمدرضا پهلوی لقب حضرت اشرف گرفت؛ وعده نفت شمال را به روس داد (ترکمان، ۱۳۶۱: ۱۳-۱-۳۰ و ۱۶۷-۱۷۷).

۶- در کودتای ۲۸ مرداد زاهدی با نام مستعار ر. ن. زیگلر مطرح شده بود (سفری، ۱۳۷۱: ۸۶۶/۱) و این نام شبیه نام زینگر است.

۷- «اسب برای خاندان‌های پهلوانی و جنگاوران هند و اروپایی از ارزش تومی دیرپایی برخوردار بوده، به همین دلیل در شاهنامه... پرتکرارترین نمادینه... را به وجود آورده است... وجود [واژه] اسب در نام‌های شاهان و پهلوانان ایرانی مانند گرشاسب...» (قائمی و یاحقی، ۱۳۸۸: ۹ و ۱۸) دلیل کارکرد مهم آن در اصالت‌های ملی ایرانیان است.

۸- از جمله در این مورد مولانا گفته است:

گر ازدهاست بر ره، عشقی است چون زمرد از برق این زمرد هین دفع ازدها کن

(مولوی، ۱۳۶۳: ۷۶۴؛ نیز رک. قبادی-نوری، ۱۳۸۶: ۷۳)

منابع

- ۱- آل‌احمد، جلال. (۱۳۴۴). *ارزیابی شتابزده*، تبریز: کتابخانه ابن سینا، چاپ اول.
- ۲- افخمی، علی و نوشین دانشگر. (۱۳۸۰). «بررسی زبان شناختی رمز به عنوان یکی از گونه‌های هنجارگریزی معنایی در اشعار نیمایوشیج»، *ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، دوره ۱، شماره ۳، پاییز ص ۲۰۷-۲۲۰.
- ۳- براهنی، رضا. (۱۳۶۷). *رازهای سرزمین من*، تهران: نشر مغان، چاپ دوم.
- ۴- پورنامداریان، تقی. (۱۳۶۸). *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- ۵- ترکمان، محمد. (۱۳۶۱). *قیام ملی سی ام تیر به روایت اسناد و تصاویر*، دفتر سوم، تهران: انتشارات دهخدا، چاپ اول.
- ۶- جمعی از پژوهشگران. (۱۳۸۷). *حزب توده*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ دوم.
- ۷- حریری، ناصر. (مصاحبه کننده، ۱۳۶۶). *هنر و ادبیات امروز*، بابل: کتابسرای بابل، چاپ اول.

- ۸- دانشور، سیمین. (۱۳۶۳). *به کی سلام کنم*، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ سوم.
- ۹- _____ . (۱۳۶۴). *شوهر من جلال*، یادنامه جلال آل احمد، تهران: انتشارات پاسارگارد.
- ۱۰- _____ . (۱۳۶۴). *غروب جلال*، _____ .
- ۱۱- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲). *لغت نامه*، چاپ اول از دور جدید، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- روضاتیان، سیده مریم. (۱۳۸۸). «*رمزگشایی قصه سلامان و ابسال حنین بن اسحاق براساس کهن الگوهای یونگ*»، مجله فنون ادبی (دانشگاه اصفهان)، سال اول، شماره ۱، پاییز و زمستان، ص ۹۷-۱۰۶.
- ۱۳- ریاحی، لیلی. (۱۳۸۳). *نامه‌ای به مادر باز یافته‌ام سیمین دانشور*، بر ساحل جزیره سرگردانی، تهران: انتشارات سخن.
- ۱۴- ستاری، جلال. (۱۳۷۶). *رمزاندیشی و هنر قدسی*، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
- ۱۵- سجادی، سید جعفر. (۱۳۶۲). *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چاپ اول.
- ۱۶- سفری، محمدعلی. (۱۳۷۱). *قلم و سیاست (از استعفای رضاشاه تا سقوط مصدق)* جلد اول، تهران: نشر نامک، چاپ اول.
- ۱۷- طیرانی، بهروز. (۱۳۷۹). *روز شمار روابط ایران و آمریکا*، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، چاپ اول.
- ۱۸- قائمی، فرزاد و محمد جعفر یاحقی. (۱۳۸۸). «*اسب؛ پرتکرارترین نمادینۀ جانوری در شاهنامه و نقش آن در تکامل کهن الگوی قهرمان*»، فصلنامه زبان و ادب پارسی، سال ۱۳، شماره ۴۲، زمستان، ص ۹-۲۶.
- ۱۹- قبادی، حسینعلی. (۱۳۸۳). «*تحلیل درون مایه‌های سووشون از نظر مکتب‌های ادبی و گفتمان‌های اجتماعی*»، دو فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، شماره سوم، پاییز و زمستان، ص ۴۱-۵۴.
- ۲۰- _____ . (۱۳۸۶). *آیین آینه*، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۱- قبادی، حسینعلی و علی نوری. (۱۳۸۶). «*نماد پردازی در رمان‌های سیمین دانشور*»، گوهرگویا، سال ۱، شماره ۳، پاییز، ص ۶۳-۸۶.
- ۲۲- گلشیری، هوشنگ. (۱۳۷۶). *جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور*، تهران: انتشارات نیلوفر، چاپ اول.
- ۲۳- مکی، حسین. (۱۳۶۶). *وقایع سی‌ام تیر ۱۳۳۱*، تهران: انتشارات ایران، چاپ دوم.
- ۲۴- مولوی، محمد. (۱۳۶۳). *کلیات شمس تبریزی*، به اهتمام بدیع الزمان فروزانفر، تهران: امیر کبیر، چاپ دهم.
- ۲۵- ناظرزاده، فرهاد. (۱۳۶۸). *نمادگرایی در ادبیات نمایشی*، (دو جلد)، تهران: انتشارات برگ، چاپ اول.
- ۲۶- نبوی، نگین. (۱۳۸۸). *روشنفکران و دولت در ایران*، تهران: با همکاری شرکت نشر و پژوهش، چاپ اول.
- ۲۷- نصر، محمدرضا و حافظ حاتمی. (۱۳۸۸). «*رمز و رمزگرایی با تکیه بر ادبیات منظوم عرفانی*»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، (دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب)، سال ۵، ش ۱۶، پاییز، ص ۱۶۵-۱۹۶.
- ۲۸- نهضت آزادی ایران. (۱۳۶۳). *نشریات راه مصدق و ضمایم آن*، (جلد دوم)، گردآورنده نهضت آزادی ایران، بدون نام ناشر و محل نشر، چاپ اول.
- ۲۹- نوذری، عزت الله. (۱۳۸۷). *تاریخ احزاب سیاسی در ایران از مجلس دوم مشروطیت تا مجلس ششم انقلاب اسلامی*، شیراز: انتشارات نوید شیراز، چاپ دوم.